





در نیالیه سرمقاله به دو بخش و با چند بخش بطور کامل و "رسمی" انجام دادند. نگرفته مجبور است بازی مؤثر و گریه را با شور و اراده دهد. کو ششهای غربیها در سالهای اخیر - خصوصاً آمریکا در زمان نیکسون و کیسینجر - در تغییر تقسیم بندی جهان بجای تقسیم به بلوک شرق و غرب و یا دموکراسی غربی و سوسیالیستی - به تقسیم بندی "نیمکره شمالی و نیمکره جنوبی" بطوریکه تمامی کشورهای غربی و کشورهای اصطلاحاً سوسیالیستی را در یک منطقه، نیمکره شمالی، و تمامی کشورهای زیر سلطه مستقیم و یا غیر مستقیم استعمار را در یک منطقه، نیمکره جنوبی قرار دهد. در جهت همین سیاست میباشد.

با توجه به آنچه گذشت، علت اصلی طرح موضوع "دفاع از حقوق بشر" توسط کارتر، روشن میشود. ملامت داخلی و خارجی موقفیت این سیاست نیز بخوبی روشن است. از لحاظ داخلی بخش عظیمی از نیروهای مارز دوران ویتنام خود را به مسئله مهاجرت پناهجویان از شوروی و مسئله حقوق بشر بخصوص در کشورهای شرقی مشغول کرده اند. از لحاظ خارجی نیز تا یکدیگر رعایت حقوق بشر در کشورهای شرقی بخصوص شوروی زیرا علاوه بر دلایل فوق، دندان نشان دادن به شوروی و احتمالاً ایجاد امید و مقاومت در مردم کشورهای بلوک شرق علیه حکومت آنها، بخصوص شوروی نیز مد نظر سیاستمداران آمریکا است. چه اکنون جنگ سرد یعنی ای که در راه، مطرح بود و چون ندارد و کومنیسم بین المللی، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ سازمانی نه قدرت حرکت دارد. و نه سازمانی پیوسته و منسجم است. به بیان دیگر احزاب کمونیست در خط اقدام در سیستم های حکومتی کشورهای مختلف قرار دارند و لذا از آنها نمیتوان مانند سابق یک غول عظیم یکپارچه تصویر کرد. اما بعکس میتوان با طرح موضوع حقوق بشر و احترام به آن به یکی از ضربه پذیرترین نقاط ضعف سیستم های کمونیستی حمله برد. این از لحاظ آنست که بیروان این سیستم نمیتواند حقوق بشر را در کشورهای خود رعایت کنند. زیرا در صورت وجود آمدن کمترین نوع آزادی ملت های در زیر یوغ این سیستم سر بهوش برخواهند داشت و تاج و تخت حاکمان خود را در خاک خواهند کرد. شاید به همین علت باشد که تا بحال کمترین صدای اعتراضی از طرف مردم کشورهای اصطلاحاً سوسیالیستی علیه شاه شنیده نشده است. در کمتر سفری است که شاه به کشورهای غربی بکند و مردم آن کشورها همراه با ایرانیان وطن خواه علیه سفر شاه تظاهرات نکنند. و با سازمانهای پشیمانان حقوق بشر به اعمال ضد انسانی شاه اعتراض نکنند اما در کشورهای بلوک سوسیالیستی، نه تنها چنین اعتراض هایی شنیده نمیشود، بلکه برعکس، دولت های این کشورها مردمی خیر نگه داشته خود را به استقبال و تسبیح و تظاهرات به نفع شاه تسبیح میکنند و کرده اند. (ملاحظه لیبستان از شاه و پادشاهین از فرح و اشراف و ...). و همه میدانند که این استقبال مردم از چه نوعی است و چگونه در این نظامها نظیر کشور خودمان، مردم را به زور به خیابانها می کشانند. بنابراین این کشورها که خود را مدعی حکومت های "دموکراتیک" هستند ولی فقط بر اثر ایجاد دیکتاتوری حکومت میکنند، مجبورند فحش بخورند و تلاش مذوبو جان کنند و حرفشان به جانی نرسد. لذا تظاهراتی که برای آنها بخصوص شوروی باقی میماند آنستکه هرچه بیشتر شرک در شود تا رفیق قافله بماند و بالاخره رسماً و علناً رفاقت با قافله را نفی کند. در آن حالت متفکرین آنها نیز کما فی السابق یک "تحلیل علمی" از "وضع جهان" و "اهمیت صلح" برای "پیروزی نهائی کومنیسم" خواهند داد و بلندگوهای محلی آنها نیز همان حرفها را تکرار خواهند کرد. این پیش بینی گزافه نیست زیرا در گذشته نیز همین گونه عمل شده است و برای مثال به ذکر دو نکته میپردازیم و میگردیم: الف - در جریان "جشنهای ۲۵۰۰ ساله" که حشی رئیس جمهور فرانسه و ناصر شد در آن افتتاحات شاهانه شرکت کند و در روزها شیک خون بهترین فرزندان انقلاب ایران به زمین میریخت، تمامی سران کشورهای صی باصطلاح سوسیالیستی در آن جشنها شرکت کردند. و حتی که این کشورها در معرض سؤال قرار گرفتند، قدری بدتر از گناه، آنها با استناد به "تحلیل علمی" توسط بلندگوهای خود افاده نمودند و آن اینکه: "شرکت تمامی سران این کشورها در صورت دلیل آن بود که اعتقاد شاه را بخوبی جلب کنند. خصوصاً آنکه این جشنها در کشورهای غربی سخت مورد حلقه قرار گرفته بود. و بعضی از سران کشورهای غربی نیز از شرکت در آن خود داری کرده بودند. بنابراین در چنین موقعیت حساسی شاه توجه خواهد کرد که کشورهای سوسیالیستی دوستان واقعی وی هستند

و کم کم از کشورهای غربی خواهد برید و بطرف کشورهای سوسیالیستی متمایل خواهد شد و این موقفیت بزرگی برای نهضت کارگری جهان و ایران خواهد بود.

جل الخالق !!!

ب - نکته دوم آنکه وقتی به این کشورها و در را این آن شیروزی انتقاد میشود و میشود که چگونه از جهان مسلحانه ایران دفاع نکرده که هیچ، به آن نیز حمله میکنند جواب میدهند: "این کار ماجر جوتی است. باید شوروی و روسی با ایران هرچه بیشتر جلو بروند و اینکه ایران در راه صنعتی شدن است، هر روز بر حجم کارگران نیز افزوده میشود. آن هنگام که وسائل تولید رشد پیدا کنند و امکان انقلاب پیدا شد، در آن هنگام نیز دست شوروی و حزب طراز نوین طبقه کارگر !!! در ایران کاملاً باز است تا رهبری انقلاب را در دست گرفته و آنرا به پیروزی نهائی برساند."

فاجعتر بیا اولی الا بصار !!!

حال با چنین "تحلیل های علمی" باز هم میتوان شک کرد که در آینده در تقسیم "رسمی و قانونی جهان" نیز "راه حل علمی و انقلابی کارگری" پیدا نشود؟ بی معنی نیست که کارتر مسئله رعایت حقوق بشر را در لیست به همان اعتبارات گذشته که عنوان کردید طرح میکند. با در فراتر چه پیش بینی میشود که احزاب چپ در انتخابات پیروز خواهند شد و بنابراین باید خط معمولی تبلیغات طوری باشد که با خطوط دولتی فرانسه در این زمینه بخوانند. در اینجا بحث ترس از غول کومنیسم نیست، ایجاد ترس در زمین بر آن آزادی و حقوق بشر است. زیرا در عمل احزاب کمونیست در هر کجا که به قدرت رسیده اند اولین فیهومی را که از این بزرگ اند فیهوم آزادی و حقوق بشر است و لذا بسیار ساده و قابل قبول است که این مطلب را در اذهان عمومی جای داد.

واقعیست آنستکه نه آمریکا و هم سنگرانش و نه شوروی و افشارش، آن چیزی که نمی اندیشند بشر و حقوق وی است. زیرا آنها مردم و نژادهای سوم را بشر میدانند که حقوقی برای آنها قابل باشند. در عمل هم هر یک از این دو بلوک، تنها با با هم، به هر کجا که دست انداخته اند قبل از هر چیز آزادی و حقوق انسانی را از زمین برده اند البته با دشمنان مختلف. یکی با شعار "دفاع از آزادی و دموکراسی" و دیگری با شعار "انقلاب دموکراتیک کارگری". بنابراین اعلام دفاع از حقوق بشر توسط آمریکا سکوت مطلق راجع به بشر و حقوق وی توسط شوروی، هر دو بدون کم و کاست برای تا همین منافع و مصالح این ابر قدرت هاست. امید بستن به آن اعلام، و نگران بودن از این سکوت، هر دو خطاست و اتلاف وقت. آمریکا با تیز خیانت خود و اعلام رعایت حقوق بشر، یک نشان دیگر نیز زده است که ایجاب اثرات منفی آن در آینده معلوم خواهد شد و آن اینکه یک مفهوم و انگیزه انسانی و عمیق را که در نظر رهبری عزیز و محترم است با اعلام این سیاست ریاکارانه و دغل کارانه به لجن سرمایه داری خود کشیده است، تا که بعد ها کسی جرأت نکند راجع به حقوق بشر هم صحبت کند مگر آنکه به وی برجسب نوکری آمریکار ابرزند.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این است که طرح مسئله حقوق بشر همانطور که رفت می باید عمدتاً مربوط به کشورهای باصطلاح سوسیالیستی باشد، ولی چون در عمل، حقه بازی پنهان شده در زیر این مفهوم انسانی بخوبی نمایان میگردد، بنابراین این مردم میدانند سرمایه داری میاید راجع به بقیه نقاط هم اظهار نظر میکنند و حرفی برزند. بخصوص آنکه در بعضی موارد مسائل اقتصادی و ایجاد بازار برای کالای آنها نیز در نظر می باشد. از این جهت مسئله عدم رعایت حقوق بشر در کشور هائی نظیر ایران نیز مطرح شده ولی این دو دلیل به آن نمی آرزید و نمی آرزد که وضع ایران و کشورهای امثال آن بهم بخورد. بخصوص آنکه مثلا در مورد ایران در سفر شاه به آمریکا و سفر کارتر به ایران، شاه عنوان کامل خود را بوضوح نشان داد و او امر ارباب راجه از لحاظ مسئله قیمت نفت و خرید سلاح ها و خرید مرکز اتمی و غیره به هر مقدار و هر قیمت که ارباب میخواست، اطاعت کرد. در چنین حالتی کارتر چاره ای ندارد جز آنکه بگوید: "شاه ایران یکی از بهترین دوستان من است" و یا "مسئله حقوق بشر افکار شاه را سخت بخود مشغول داشته و رعایت موازین حقوق بشر در سیستم سال گذشته در ایران بهبود یافته است." و اینکه "وانس" و زیر خاچه ایران اعلام دارد که: "مسئله رعایت حقوق بشر در روابط ایران و آمریکا اثری نخواهد گذاشت." با تمام این اوصاف بحران اقتصادی شدید در ایران و سایر کشورهای وابسته به آمریکا چنان سخت است که بیم از این رفتن این رژیم هالیطسور ناگهانی وجود دارد. بنابراین برای پیش گیری چنین

واقعه ای، همانطور که رفت، آمریکا سعی میکند یک نوع آزادیهای منحصر را در این کشورها برقرار کند تا بتواند اولاً با نیروهای مخالف نیز تاحدودی در تماس باشد و اگر قرار بر تغییر و تبدیلی شد یا از قبل از آن مطلع باشد و یا بلافاصله بتواند خود را با وضع جدید هماهنگ نماید. این منظور حاصل نخواهد شد مگر آنکه نیروهای معتدل و قابل هضم را بدون توجه به طرز تفکری که اعلام میکنند، سوسیالیست، کومنیست و یا ناسیونالیست و غیره را بخود جلب نماید. بخصوص آنکه سیاست جدید آمریکا در خط تقویت سوسیالیست هائی است که "واقعیست" هستند و آمریکائی فکر میکنند. و یا کومنیست هائی که قبول میکنند در سیستم های حکومتی ادغام شوند ولی به حکومت کاری نداشته باشند و سلطنتی فکر کنند. یا ناسیونالیست هائی که سلطنت آنها و اجادای را اصل بقا طت در طول تاریخ بدانند و فاشیستی فکر کنند. بنابراین لزوم تقویت چنین دستجاتی بمعنای تصحیف و در صورت امکان از بین بردن و مخالفین و مخالفین آنها است. و این مخالفین در ایران جز اسلام و مبارزین مسلمان چه کسی میتواند باشد؟

درست در این رابطه است که رژیم ایران به دستور اربابان خود که نیز حلقه را متوجه مبارزان اسلامی کرده است و زندانیان از مبارزین مسلمان مطلوب است و خیابانها پخش خون مجاهدین مسلمان رنگین، و رنگین نامه های جنایت آمیز قم تنها "شلیک بصد کشت" بروی تظاهرات کنندگان نبوده است. ما موران شاه به هجره های طلب که فعال بوده اند رفت و آنها را بخود به خیابان برده و کشته اند. اگر فقط قصد برهم زدن تظاهرات را داشتند از وسائل دیگر نظیر گاز اشک آور استفاده میکردند نه تیر اندازی بسوی مردم. درست بر اساس همین واقعیت و تجربیات عظیم و متعدد تاریخی است که مهمترین قسمت فرمان عمومی و قاطع خمینی، موضوعیت و اهمیت خاصی پیدا میکند که توجه و عنایت بان فریضه قطعی بر مسلمان مبارز و روشن بین و با ایمان است.

— خمینی بزرگ در کجی مواقع و به بیانهای مختلف اتحاد و همبستگی نیروهای اسلامی را خواسته و اتراصل اساسی پیروزی بردشمن بر شمرده است. آری مسلمانان باید بدور یکدیگر جمع شوند و با یکدیگر کار کنند، بهم بپیوندند و از هموختن به دیگران حذر کنند و دیگران را در سازمان خود راه ندهند. این "دیگران" هر که میخواهند باشند مسلمانان حق ندارند همانند دیگران به شاخه های متعدد تقسیم شوند. آنکه اختلاف میکند و یا دیگران را بر مسلمانان میگزیند یا اشتباه میکند و یا فرض است و یا مسلمان نیست. اختلاف سلطه ها و حتی نظرها (اگر نظری وجود داشته باشد) و داشتن تشکل های مختلف هیچگاه دلیل بر عدم همکاری با یکدیگر در میان مسلمانان نباید باشد. همانقدر که اختلاف در میان مسلمانان و عدم همکاری باهم بعلمت برخی از اختلافات مذموم و مردود است بهمان اندازه همکاری مسلمانان با "دیگران" غیر مسلمان درک سازمان سیاسی و اداری نیز مردود است. جقدر جای تا صف است که عده ای از برادران و خواهران ما به اهمیت حیاتی اتحاد نیروهای مسلمان در شرایط فعلی توجه دقیق مذلول نهادند و فکر میکنند که اختلاف روشها مانعی ندارد و اصل عقیده است که همه باهم مشترک اند در شرایط بحرانی و حساس کنونی مسلمانان که در جریان فعلی تنهای تنها هستند و با همه دشمنان از شرق و غرب و شمال و جنوب بنجه درینجه دارند نمی توانند که مانند زمان آزادی و آدای و بارو شها و نظرات متفاوت عمل کنند. بد تراز آن اینکه تنی چند همکاری و هنگامی با دیگران غیر مسلمان را نیز مقدم بر همکاری با مسلمانان کرده اند و عملاً آب به آسیاب فرصت طلبانی می ریزند که امروز بنابه صالح خود صحبت از اسلام میکنند و فردا با بنابه صالح و افراط خود همان را خواهند گفت که در گذشته گفتند: "مسال

در برتر، منهای روحانیت" !!!

مسلمانان بر اساس وظیفه خود، بار مسئولیت را بعهده گرفته اند و ابتکار عمل را در دست دارند. زندانی و شهید را آنها میدهند. خسارت و تبعید و آوارگی را آنها میدهند. هر مسلمانی که به زندان می رود زندگی اش را در اختیار بقیه مسلمانان می گذارد که متحد باشند و متفق هر شهیدی که بخون میگذرد در فراقی آمر که ضعیف مسلمانان باهم و در کنار هم راه حق را ادامه دهد. این هرگونه تفرقه بهر نام و بهر نشان و تحت هر شرایطی که باشد بی اعتنائی به شهیدان و زندانیان است و یک مسلمان راستین چنین شیوه ای را بر نمیگزیند. مسلمانان در برابر احزاب و دستجاتی که اعلام موجودیت میکنند، باید آگاهانه و با هو شجاری عمل کنند. و تا زمانی که این

بالبه سرمقاله  
 و هموار احزاب مستقل عمل نکرده اند و مواضع ایدئولوژیک سیاسی خود را ، قدرت و کار آئی خود را ، میزان نفوذ قدرت خود را در هیچ طبع ، هدف و نیت واقعی خود را ، اقت در مبارزه را ، بی گیری و ثبات و استقامت در مبارزه دشمنان خلق را نشان نداده اند نباید در برابر آنان وضعی اتخاذ نمایند که به معنای تأیید این گروه ها و راز از جانب جنبش اسلامی بشمار آید . اینکه این احتجاجات دارای چه محتوایی هستند باینستند در شرایطی برای مامور ح نیست و تا زمانیکه این دستجات و بی طایفه اصلی و اساسی مسلمانان در شرایط فعلی متشکل نشده اند و متحد گردن اکثریت قریب با اتفاق آحاد و افراد نیستند که مسلمانند و بالقوه مبارز . ضمناً اگر قرار باشد بی بنام رهبر ملی یا سوسیالیست یا کمونیست ... به هندی در شرایط فعلی در کنار مسلمانان قرار گیرند و بیجهت ای کسب کنند و موقعیتی بیابند و یا با تجلیل مسلمانان و رهبران جنبش اسلامی و بکم افتخار و قاطبی و طایفه ای خود را در صفوف مسلمانان داخل نمایند . تاد موقع حساس سازی دیگر ساز کنند و نوای خود را در دهند همانطور که در تاریخ معاصر ما بارها چنین شده اند . سوگند را جایز نخواهیم داشت و در شرایط سیاسی کنونی از اسلامیت خود ، مبارزه خود ، خونهای خود ، آزادی خود ، شهادت زندانی های خود و دانشگاه های خود بیگان و افکار شهید جاوید خود شریعتی با نهایت ت و روشنی دفاع میکنیم و نخواهیم گذاشت مانند گذشته "دیگران" داخل شوند و باز یکبار دیگر خنجر پشت بر قلب مسلمانان فرود آرند . اگر گذشته های و تاریخ است و تجربه طعوس نیست ، ماجرای جبهه و خیانت طرفداران سیاست صبر و انتظار که تاریخ است و روشن . بقول برنارد شاو :

چند بار در اقصاء مختلف باید مسیح را بر سر دار بصلابه بکشند و بعد تا آنها را که نمیخواهند قدرت تصور خود را بکار گیرند و بقیه نجات بخشند " آری خطاب خمینی بزرگ و امید شریه جوانان مسلمان از هر قشر و طبقه ای است - خطابه ها و اعلامیه های این مرجع به جوانان مبارز مسلمان برای خوش آمد خود بزرگ بینی آنها نیست - این همه برای توجیه ن آنها به مسئولیت عظیمی است که به عهده شده اند . چه این وارثین تاریخ مبارزات اسلامی مخصوص است عظیمی هستند که خمینی بزرگ با قدرتی عظیمی بهامتی عظیمتر و روشن بینی و آماردگی اش برای شهادت هدین راستین با اهدا خونهای سرخ و گرمشان بریمتی جاوید با ظم و خویش در سخت ترین شرایط بر قلب بلند فکر اسلامی آنها با محرومیت خود با غربت ، با تنهایی خود با درد مندی خود با تحمل شکنجه و توندنا ولی با استعدادی شگفت و شورانگیز یافتی کردند تا چرایی روشن فرا راه جوانان مسلمان است . شهیدای بزرگی چون حنیف نژاد ها و ناصر ق. ها و صمد به لاف ها و شریف واقعی ها و جوانان بدل ها در این راه قدم گذاشتند که هیچ آنها با بیله جان خود روشن نمودند . آری جوانان مسلمان چنین نهضتی هستند و باید با فعالیت خستگی ناپذیر و درایت کامل ، سرسختی بی امان و عشقی عمیق دردی جانسوز در راه حق و عدالت با هم و در کنار قدم بردارند و به پیش روند و مطمئن باشند هر مانعی که پیش پای برخواهند داشت .

ت است است که راهی سخت و صعب در پیش است و هم ها و تهمت ها و بر جسیها و گفتارها و نظره های رنگ و توجیه های خوش ظاهر و بد باطن ولی همه با بخاطر آنستکه از راه اصلی منحرف شویم و بمشائلی ازیم که از ما نیستند و بکسانی فکر کنیم که هفت گسرتند و خلاصه از تعقیب هدف باز مانیم . ما باید سر در داشته باشیم جز در فکر اسلام و مسلمانان و کنار شش برای آنها نباشیم این وظیفه تاریخی ما در ن حاضر است - اگر بغض خداوند روزی با این هدف شویم البته تمام دیگران را نیز باید بخوریم و بکملی با نیز باید مشتاقیم و آنها را نیز باید براه راست هدای ملی در شرایط فعلی نیرو های ما محدود است و من ما قوی و لذا تمامی نیروی بالقوه و بالفعل را باید و ف بزرگداشت فکر و اندیشه و عمل خود کنیم .

خمینی بزرگ در مراحل مختلف از رسالت روحانیت

اصلی گفتگو میکند و از آنها که سر سخنانه مقاومت و مبارزه میکنند تجلیل مینماید و آنها را در راه مبارزه همگانی ترغیب مینماید این کار نه بدان معنا است که هر کس عمامه بر سر داشت قابل احترام است و هر کس در سلسله روحانی ظاهر شد مبارز است - در بین قشر نیز بد و خوب و زشت و زینا بسیار است - در میان این قشر کسانیکه نامرتند و در خدمت طلعه هستند کسانیکه شایسته فکرو ذکر و استعداد و امکانات خود را بسنج کرده اند تا در خدمت طلعه به خدمتگذاران جنبش اسلامی به بازرگان و یا به شریعتی بر بگویند و آنها را با اصطلاح خودشان بگویند - اینها در اصل روحانی نیستند و الا آنها در زمان ما مبارزه با دستگاه مهنتر است و یا مبارزه با شریعتی و بازرگان . کار این افراد انحراف مبارزه است و باینستند ایجاد همین انحراف ، جمعی دانسته و جمعی ندانسته در خدمت رژیم فاسد پهلوی گام بر میدارند - وظیفه ما همانطور که در بالا آمد این نیست که با باطل این و آن بپردازیم زیرا این درست همان چیزی است که دشمنان ما بخاطر آن دست اندر کارند - آیا نباید از خود پرسید که در شرایط بحرانی کنونی ، چرا ناگهان بار دیگر عطف های سواک بحرکت در آمده اند و باستفتا از اشخاص و یا جعل استفتا علیه شریعتی پرداخته اند؟ مگر نمی بینید که دشمن در این شرایط ، میخواهد و می - کوشد تا این را که بدست آمده است در جهت های انحرافی صرف شود و قشر های طبقات مختلف به جای جهت گیری سازنده علیه دشمن اصلی بدرگیری در باره این استفتا مشغول باشند و از کار اصلی عقب بمانند . و گرنه چرا در این شرایط دوباره حیات به شریعتی آغاز شده است؟ بگذر از خفاشان هر چه میخواهند بگویند ، خورشید فکر خدمتگذاران جنبش اسلامی ، از بازرگان تا شریعتی جاوید این خفاشان را که فقط در شهبای تیره و تار حکومت پهلوی به سر و صدا ایجاد کردن پرداخته اند بزودی کور خواهد کرد . باید به مبارزه با مرکز قسما در یعنی رژیم شاه پرداخت .

خمینی بزرگ با تجلیل و ترغیب مجموع روحانیت در واقع آنها را نیز در مقابل مسئولیت هایشان که بخاطر آن روحانی شده اند قرار میدهد - زیرا روحانی شیعه قبل از هر چیز یک سرباز است که بنام زمین در مقابل سوارگران دنیا می ایستد - وظیفه او دفاع از شرف و حیثیت و انسانیت مسلمانان در مقابل تمام عواطفی است که آنها را تهدید میکند - وظیفه او نگهدارنی از دین در تمام ابعاد آن میباشد . این وظیفه یک روحانی واقعی است لذا تشریح احکام مذهبی تحت الشهاج پایداری در مقابل ظلم و از بین بردن ظالم قسار دارد . حال اگر کسی به مسائل صرفاً احکامی پرداخت و بدان بهانه از وظایف اصلی طفره رفت خطا کرده است و خطای یک روحانی در نا کت و عظیم تر از خطای افراد عادی است - درین چهار چوب است که خمینی بزرگ به روحانیت با دقت و استمرار در نهانیت احترام میپردازد زیرا آنها را سربازان و رهبران مسلمانان میداند و توقع مبارزه را از آنها بیش از همه دارد .

در اینجا باید مان گفت که آنچه در این مدت کوتاه در کشور عزیز ما واقع شده روحانیت در مجموع خود (منهای روحانی نمایان) پشتتاز بوده و نسبتاً قدم برداشته است . وقتی روحانیت به فریاد بلند میگوید "خمینی آری این یعنی شاه نه" و این بیان قلبی تمام مسلمانان آگاه است . در روشن بینی و قدرت اخلاقی علما اسلام همین بس که گفته شود که وقتی دشمن تا حدی در موفق شده بود بسین روحانیون و جوانان مسلمان سو تفاهاتی ایجاد نماید ، و میرفت که این سو تفاهات اثرات نامطلوبی بجای گذارد . خمینی خطابه تاریخی خود "من از روحانیون و جوانان مسلمان گه دارم" را ایراد نمود و آنها را با اتحاد و اتفاق دعوت کرد ، بلافاصله روحانیون واقعی عکس العمل منطقی و مثبت نشان دادند و به رفع سو تفاهات پرداختند و همکاری مجدد را آغاز کردند . بنابراین فضل تقدم بسا آنهاست . بر جوانان مبارز مسلمان نیز فرض و واجب است که امر رهبر مسلمانان را اطاعت کرده و در کمال خلوص و صفای و با روحیه ای شریعتی وار در کنار روحانیت نستوه مبارز بایستند و با آنها در مقابل رژیم مبارزه بر خیزند و در این راه وحدت اسلامی و مسلمانان را حفظ کرده رونق بخشند اینست معنی "اتحاد" و این است مفهوم داشتن روحیه "وحدت" .

۶- حفظ و استمرار دستاوردهای جنبش ملی ایران : حرکت نون اسلامی ، که نطفه های آن در دوران معاصر در سال های بعد از شهریور ۱۳۲۰ منعقد شده است ، در طریقی مسیر تکاملی خود امروز عملاً بعنوان یک قدرت عظیم اجتماعی برخوردار از تحرک در صحنه مبارزات اجتماعی حضور دارد . از جانب دیگر نهضت اسلامی ادامه منطقی

نهضت ملی ایران برهبری صدق بزرگ میباشد . هستند کسانی که نا آگاهانه و برخی آگاهانه به تخطئه صدق خود ما برجسته او به جنبش ملی و نتیجتاً به جنبش اسلامی می پردازند . نهضت آزادی ایران از بدو تأسیس خود ، چه در دوران زندگی مخفی ، بشکل نهضت مقاومت طلعی (سالهای ۳۲ تا ۳۹ و ۴۰) وجه از سالهای ۴۰ به بعد تمامی نیروی خود را در جهت ادامه نهضت و حفظ دستاوردهای آن بکار برده است . در همین زمینه برای حفظ وحدت همه نیروهای اصیل همت گماشته است .

وحدت مسلمانان در مبارزه علیه طاغوت های زمان چه خارجی و چه داخلی یعنی دفاع از منافع دهقانان کارگران ، پیشه وران ، دانشگهیان و همه مستضعفین جامعه - وحدت مسلمانان یعنی ادامه مبارزه در راه آزادی و استقلال ایران و ادامه راه رهبران گذشته و حال آن یعنی صدق و خمینی . بدین جهت است که شعار نهضت آزادی ایران :

وحدت نیروهای اسلامی

است  
 در راه پیروزی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی ، برای آزادی و استقلال ایران برهبری مرجع عالیقدر امام خمینی و با بزرگداشت خاطره دکتر صدق .

پیروزی باد نهضت رهایی بخش خلق مسلمان ایران  
 زنده باد خمینی رهبر نستوه ملت ایران  
 گسترده تر باد اتحاد همه نیروهای اسلامی  
 سلام بر زندانیان سیاسی  
 درود بر شهیدان پر افتخار مبارزات رهایی بخش

د نیاله گزارش تضاهرات تبریز

مؤکد از آنان بخواهند که این مطلب را به گوش قاطبه مردم برسانند . بد نیال ابلاغ دستور مراجع به علما طراز اول شهرستانها اکثر خطیبا سخن رانان در منبر ها و مجالس مختلف اهمیت این اعتصاب و اعتراض را برای مردم بیان نموده و از آنان میخواهند که با شرکت در این اعتصاب به تأیید جنبش اسلامی و روحانیت بخصوص حضرت آیت الله خمینی بپردازند . فعالیت بانوان در بره انداختن اعتصاب قابل تقدیر است . آنان در جلساتی که بمنظور تبلیغات مذهبی تشکیل میدهند روی اهمیت این روز بحث و گفتگو مینمایند .

مردم نیز به ادارات دولتی ، غیر مسلمین و همچنین وابستگان به دستگاه ظلم می گردند و از آنان میخواهند که در این اعتصاب شرکت نمایند . همچنین تهدید مینموند که در صورت بازگرفتن عماره و رفتن به اداره خود مسئول خسارات وارده به خویشان اند .

ماجرای تبریز بدین ترتیب آغاز میشود که علما طراز اول تبریز آقایان حاج سید حسن العجی ، سید محمد علی قاضی طباطبائی ، اشرفی و شرفیانی از طرف حوزه علمیه قم اعلامیه مشترکی صادر نموده و از مردم دعوت مینمایند که روز شنبه در مسجد حاج میرزا یوسف آقا واقع در سرباز تبریز در اجتماعی که بخاطر یاد پیوسته شهید تشکیل می گردد شرکت نمایند . شهرمانی بعدت از پخش این اعلامیه جلوگیری مینماید ولی مردم دهان به دهان خبرچینان یاد میدهند که در شهر پخش مینمایند . ساعت ۹ صبح در حدود ۱۵ هزار نفر بسوی مسجد هجوم می آورند و با درهای بسته مسجد در حالیکه پلیس از قفل ه حمایت می کرد روز بومی شوند . افسر مسئول بسن مسجد از مردم میخواهد که متفرق شوند و تهدید مینماید که در صورت عدم اطاعت باخشنوست مواجه خواهند شد . افسر زنیر که با سرسختی مردم مواجه میشود ابتدا چند گلوله هوایی شلیک میکند . مردم بسر مقاومت می افزایند . افسر منوریک نفر را هدف گلوله قرار داده مجروح مینماید . در اینجا خشم مردم قهرمانان تبریز به اوج خود میرسد . همه الله اکبر گویان بسوی افسر منور و سایر ارا میروند و تهدید مینمایند . در این واقعه ۵ یا ۶ نفر کشته و بیش از ۱۲ نفر زخمی میشوند .

کامیون های پلیس از طرف شهرمانی به محل تظاهرات اعزام میگرددند . ولی مردم بی اعتنا به انبوه پلیس همگی بطرف پلیس حمله ور شده ضربات او را با ضربات متقابل پاسخ میدهند . در این حملات پاسبانها حاضر به اطاعت از رؤسا خود نبوده اند و سعی در حفظ مردم داشته اند به همین جهت بیشتر آنان فرار را برقرار ترجیح میدهند . جمعیت با نظم خاصی به گروه های مختلف تقسیم می گردند . عده ای در حدود ۶۰۰ نفره اداره آتش نشانی تبریز رفته و اتومبیل های آنها را از کار انداخته و لاشیک هایشان



رنیاله اعلامیه در باره محمد زینایی

ایران سرخ گلی تازه شکفت. این اولین و آخرین بار است که رژیم شاه جنایتکار در جریان سرکشی جشن بهشتار خلق قهرمان ما بی رحمانه دست به کشتار پاکترین جوانان وطن میزند. کمیته فراموشکننده خاطره جاودان رضاییها ضیاالحقها، طباطبائیها، سعیدیها، غفاریها، انصاریها را (شهیدانیکه مردانه زیر شکنجه های خلقهای جهان نشان داده است که در هر قطره خون شهید بهام آتشی نرفته است که صد ها بار باطل میکشاند. حقیقی دیگر را بیدان بیکار بی امان با باطل میکشاند. آری رژیم مزدور پهلوی که بی مخایا ثروتهای سرشار و منافع عظیم مردم زحمتکش و محروم ایران را در اختیار غارتگران بین الطلی و در رأس همه آمریکا قرار میدهد و بهیمرمانه میکشد با دستگاههای فریض و طویل تبلیغاتی این مردم را بفریبد، کور خوانده است اگر به بند ارک که با کشتن زیناییها توانسته است آتش مبارزه بهشتازان خلق ایران را خاموش کند، غافل است اگر خیال کند که توانسته مبارزین جان برکف را مرعوب ساخته و از میدان بدر ببرد. ما به رژیم پهلوی پهلوی هشده از میدیم که صد ها محمد زینایی دیگر جای پای اوگام خواهند نهاد و بالاخره حقوق غارت شده مردم را از گردنه شامه مزدوران کثیف ابرهان و بیشرمان بیرون خواهند کشید. (آیا صبح نزدیک نیست؟ - قرآن کریم -)

محمد در سال ۱۳۲۹ در خانواده ای کم درآمد در مشهد بدنیا آمد. استعداد تحصیلی او در دوران دبستان و دبیرستان در رخشان بود بطوریکه در کلاس چهارم دبیرستان در رشته زبان انگلیسی در خراسان مقام اول شد. وی در سال ۵۰ در دبیرستان هدایت مشهد در کلاس نهم و در همان سال توانست در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران راه یابد. در ابتدای سال پنجم یعنی اوائل مهر ماه ۵۴ در تهران دستگیر شد. او ظاهراً عضو گروهی بوده است و برای دست یافتن به اسرارش شهیدا تحت شکنجه قرارش میدهند. برادر مبارز تنها ساواک قیلا از او پیدا کرده بوده نیز اقرار نمیکند و پاسخی شکنجه گران را با آیات کهنه قرآن میدهد و همین امر سبب خشم فوق العاده وحشیان کمیته گردیده است. متوالی او را زیر ضربات شلاق میگردند بخوبیکه بالاخره تمامی پوست و گوشت کف پایش از بین میروند و به عصی رسد. وی را چندین ماه تحت معالجه قرار میدهند طی چند بار جراحی پلاستیک مقداری از گوشت های

با وران او را جدا ساخته و به کف پایش میزنند. در این اواخر که نمایش مضحک رژیم در مورد آزادی های سیاسی و لغو شکنجه شروع شد و بدینال آن نمایندگان صلب سرخ آماده دیدار از زندانیهای ایران میشدند، در میان زندانیان مسلمان افراد زیادی بودند که علی رغم شکنجه گران آثار شکنجه بطور واضحی در بدنشان به چشم میخورد و از همه مشخص تر پاهای بدون گوشت و انگشتان قطع شده شهید قهرمان محمد زینایی بود که طی رسم کوششهای فراوان نتوانسته بودند آثار و حشیرگی و سفالی خود را از میان ببرند. نسوج پودنه کف پاهایش اغلب پاره میشد و کف زندان را گلگون میکرد و علی رغم چنین وضعی چنان روحیه ای داشت که هر صبح پاهایش را پارچه پیچ میکرد و با بنهای دیگر همزمان اسیر خود و ورزش صحگاهی را انجام میداد.

رژیم خون آشام که بخاطر چنانیکه همواره بر سر سر خلق ستمگش ایران آورده است همواره از خود و حشترده است این بار نیز برادر مبارز را در تاریخ ۲۲ بهمن ۵۵ مخفیانه شهید کرد. اما انسان نماهای استبداد (براستی از انسانیت فقط هیبت انسانی دارند حتی قیافه های آنها نفرت انگیز و مشغوم است) که نتوانسته بودند علی رغم تلاشهای کردن نسوج بدنش به کف بر از مهر بخلق محمد دست یابند با امدی باطل باز او را زیر شکنجه گرفتند و این بار منظورشان از شکنجه فقط اقرار گرفتن نبود که از بین برن او نیز بود. و بدین ترتیب طایفه کوششهای ساواک برای مخفی نگه داشتن این خیر، پس از نزدیک به یکسال تفرقه سیاسی آوای انقلاب، در اولین شماره خود آذرماه ۵۶ از این جنایت رژیم پرده برداشت و بار دیگر ماهیت واقعی رژیم مکار پهلوی روشن گردید.

خواهران و برادران تنها راه رضایی خلق ایران از چنگال این غفشان خون آشام - مبارزه مسلحانه - است چاره قبهای سیاه و سرد این بیشرمان را فقط گلوله های سرخ و آتشی میتواند بکشد که همراه با درد و رنج نهفته در دل خلق مظلوم ایران از لوله تفنگ بهشتازان خلق بیرون مآید. هر چه بر شوکتر باد خاطره تمامی انقلابیون ایرانی که زیر شکنجه های وحشیان پهلوی شهیدات رسیدند. گریه های مبارزانه که توسط رژیم مزدوران پهلوی تیر باران شده اند. در روز برون پاک کلمه شهیدای راه حق. مرگ بر رژیم آدم کشان پهلوی در ایران ناپدید باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا. آذرماه ۵۶ دانشجویان مبارز دانشگاه

انقلاب فلسطین شعله نموده است که آوا را روح و نشانی خود میور حفظ خواهیم کرد. هنگامیکه بهیچیز از خطر بدون فلسطین مردم مسلمان لبنان و بخصوص شعبه این سر زمین برباری می افتد. همدستان خود را در داخل لبنان برای او میخواند و از دو محرومی بی پناه و بی ایمان و شکستناک را از دهن حمله و تجاوز قرار میدهد. و رفعت آن نیست که در کنار بره های "دل زهر" که بدست رومانی در شمال ملت آزاده لبنان پدید آمده است. خرابیهای همه " سر زمین شهبان ساز را از هزاران کشته و زخمی و آذوبی می کشد که تا پایان آزادی خواهی و ترفند را می بردارد. وای فریاد هست! حرکت سرزمین "در لبنان دشمن است که آغاز نموده است و هیچ عاملی در فریب نیست این شانداگان بسوی آزادی و عزت را در حرکت باردار که در آن رفته در تاریخ دارد و شعبه امپریالیسم از همه شهبان آزاده جهان و از آنجا به ۱۴ قرن مبارزه در راه صلح و حق پیوند میدهد. جالب اینکه در میان این نیت پیروز، "جبهه رومانی آزاده ای را می کشد که با درک مومین سیاسی سترایی - استعجابی زبان غصین بر کف فعالیتها و بهیچ ساز طرح دشمنیهای اهل قریه و آگاه کردن مردم از اوضاع سیاسی شیب، از اروپا که هانی که در دست بر تندی و اندیشه "سپاری اوروپائیون زبان ناشناخته تحمل کرد است. بیرون مآید و بجای تلاش برای در هرات نگاه داشتن مردم مغرب آیان را صلح میوزیک و "حرکت سرزمین" را بهیچ مآید که تحلیلی از "ساز و ساز" خود و عضو سلسله مبارزه در راه صلح و حق پیوند دارد. در این راه با پافشاری زبان تاریخ کرده اند. امام مبین مردمی پیوند می نگاه و روشنی که در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی با او پیوسته است. مبارزه سترایی شیبش را بعنوان یک پیشانی شیبی برود داشته است و تبلیغات توپله گران از جمله شش رومانی پاک که شمار حداقل شش کیلومتر را در دست دارند. غلبی بر "اراد" او برای بق و زاین همیشه بیشتر تحریک لبنان بسوی مبارزه حق سیاسی و نظامی ایجاد کرده است. است و با همی العمل تالیفیه در برابر اشغال "شبهه دولتی شیبی" است "از خود طلب" در "تحلیلی کلمه مبینی مبارزات حرکت مردمی" است "مفکر آزادی" شیبی اهل قریه و بزرگاری سلسله بر است "در سوره که با شرکت گروههای انقلابی و حلقه های مبارزه و از جمله شیبان سترایی کاندیدی الفتح عمل آورد. "هنگام شکست پیروز و سترایی شیبی که در هر بزرگ است و هم اکنون نیز تبلیغات بر کردار او را در حلقه های مبارزه و پیروزیهای شیبی در هر جنبه "شبهه" مومین و روش و روشنی گمراهی انسانی است.

انقلاب فلسطین شعله نموده است که آوا را روح و نشانی خود میور حفظ خواهیم کرد. هنگامیکه بهیچیز از خطر بدون فلسطین مردم مسلمان لبنان و بخصوص شعبه این سر زمین برباری می افتد. همدستان خود را در داخل لبنان برای او میخواند و از دو محرومی بی پناه و بی ایمان و شکستناک را از دهن حمله و تجاوز قرار میدهد. و رفعت آن نیست که در کنار بره های "دل زهر" که بدست رومانی در شمال ملت آزاده لبنان پدید آمده است. خرابیهای همه " سر زمین شهبان ساز را از هزاران کشته و زخمی و آذوبی می کشد که تا پایان آزادی خواهی و ترفند را می بردارد. وای فریاد هست! حرکت سرزمین "در لبنان دشمن است که آغاز نموده است و هیچ عاملی در فریب نیست این شانداگان بسوی آزادی و عزت را در حرکت باردار که در آن رفته در تاریخ دارد و شعبه امپریالیسم از همه شهبان آزاده جهان و از آنجا به ۱۴ قرن مبارزه در راه صلح و حق پیوند میدهد. جالب اینکه در میان این نیت پیروز، "جبهه رومانی آزاده ای را می کشد که با درک مومین سیاسی سترایی - استعجابی زبان غصین بر کف فعالیتها و بهیچ ساز طرح دشمنیهای اهل قریه و آگاه کردن مردم از اوضاع سیاسی شیب، از اروپا که هانی که در دست بر تندی و اندیشه "سپاری اوروپائیون زبان ناشناخته تحمل کرد است. بیرون مآید و بجای تلاش برای در هرات نگاه داشتن مردم مغرب آیان را صلح میوزیک و "حرکت سرزمین" را بهیچ مآید که تحلیلی از "ساز و ساز" خود و عضو سلسله مبارزه در راه صلح و حق پیوند دارد. در این راه با پافشاری زبان تاریخ کرده اند. امام مبین مردمی پیوند می نگاه و روشنی که در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی با او پیوسته است. مبارزه سترایی شیبش را بعنوان یک پیشانی شیبی برود داشته است و تبلیغات توپله گران از جمله شش رومانی پاک که شمار حداقل شش کیلومتر را در دست دارند. غلبی بر "اراد" او برای بق و زاین همیشه بیشتر تحریک لبنان بسوی مبارزه حق سیاسی و نظامی ایجاد کرده است. است و با همی العمل تالیفیه در برابر اشغال "شبهه دولتی شیبی" است "از خود طلب" در "تحلیلی کلمه مبینی مبارزات حرکت مردمی" است "مفکر آزادی" شیبی اهل قریه و بزرگاری سلسله بر است "در سوره که با شرکت گروههای انقلابی و حلقه های مبارزه و از جمله شیبان سترایی کاندیدی الفتح عمل آورد. "هنگام شکست پیروز و سترایی شیبی که در هر بزرگ است و هم اکنون نیز تبلیغات بر کردار او را در حلقه های مبارزه و پیروزیهای شیبی در هر جنبه "شبهه" مومین و روش و روشنی گمراهی انسانی است.

د نیاله گزارش تظاهرات تبریز شهر در اختیار نظامیان قرار گرفت. کامیونهای سربازان مسلح در خیابانهای شهر قرار گرفتند. و بگير و به بند شروع گردید. ۶۵۰ نفر در این ماجرا بدست نیروهای نظامی و پلیس افتاده توقیف شدند. اما دولت اعلام کرد که دستگیریها هنوز ادامه خواهد یافت. حادثه تبریز به ظاهر سازی تمام در مجلس نمایندگان شاه ظاهراً مورد بحث قرار گرفت. در این صحنه سازی نمایندگان شاه قیام مردم را محکوم نمودند. هلاکو راصند وزیر کشور و معاون پارلمانی نخست وزیر یاقه گوئی های بسیار نمود. و تا توانست به قیام مردم دشنام داد. اوقیام مردم را قیامی کمونیستی خواند که زیر سرپوش مارکسیستهای اسلامی قیام خونین تبریز را ترتیب داده اند. هلاکو راصند شاه را مسلمان و موافق با اسلام خواند و اهانته را به همین ختم نموده قیام مردم را خلاف اسلام و انوساخت کسی از این خود فروخته نرینند که چگونه تروشا اسلام و مصالح اسلامی را میدانند ولی مراجع تقلید اختلاف اسلام عمل میکنند. از چه موقع شاه مسلمان شده و مراجع تقلید مارکسیست یا بقول او کمونیست، از آنجا که گوینده سخن هلاکوخیانی است که رام شده است ارزش سخنانش هم معلوم است.

خبر قیام خونین تبریز در مطبوعات جهانی منعکس شد. روزنامه های آمریکا و اروپا در روز واقعه ابتدا به تکرار حرفهای سخنگویان دولتی پرداختند. قیام کنندگان را مارکسیست اسلامی خواندند. ولی در روزهای بعد کم و بیش حقایق را هم نوشتند. روزنامه های اروپائی مقالات مفصل تری انتشار دادند. روزنامه هیومانیته چاپ پاریس قیام مردم را قیام خلق ایران نامید اینست اسلام و علمای اسلامی در این جریانها نفی نمایند. ولی روزنامه های دیگر پاریس نظیر لیومند، لیسراسیون، روز فیگارو همه به استناد اعلامیه نهضت آزادی ایران در پاریس و استناد به اینکه بنا بر سنت های اسلامی جهلم شهیدای قم در تبریز بر پا شده و بر صفای اخبار داخلی ایران اذعان نموده اند که قیام مذهبی و اسلامی است. و اینکه خوشیدی دیگر بر تارک جنبش اسلامی و انقلاب سرخ تشیع. تا آنکه با میاهدات پیروان علی (ع) و سرور شهیدان حسین ابن علی (ع) حق بر باطل پیروز گردد. چهره زشت منافقین که در حرف بسیار گیسرا سخن میگویند و در عمل عقب می شینند و توطئه میکنند هویدا گردد و کسانی که همگام و همزبان بار رژیم شاه از اعتراف به قدرت حرکت اسلامی وحشت دارند و اگر چه چپگرا هستند اما حاضر نیستند به نقش اسلام و خمینی در قیامهای اخیر اشاره کنند رعبا شوند. و حق پیروز شود و مردم نجات یابند.

اطلاعیه نظارتین الطلی در ایران

د نیاله کشتار مردم بیگناه قدر ۲۰ محرم سال و حملات و وسیع مأمورین شاه به مردم و دستگیری های وسیع، بنانه دعوت نهضت آزادی ایران د و تقریباً آقای نوری الیلا افزائسه و خانم مارگری کهن از آمریکا از طرف سازمانهای زیر با ایران اعزام شدند:

مجمع بین الطلی حقوق دانان دموکرات کاتولیک

فدراسیون حقوق بشر

کمیته همبستگی و دوستی مردم فرانسه و ایران

نظاره فریزر از تهران و قم و تبریز، دیدن نمودند. و با آقایان آیت الله شریعتمداری در قم و قاضی در تبریز و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و نمایندگان کانون نویسندگان ایران و کانون قضات و وکلای دادستانی، کمیته های حقوق بشر در ایران ملاقات و مصاحبه نمودند. گزارش این نظاره فریزر و منتشر خواهد شد.

رنیاله اعلامیه انجمن اسلامی

مردم ایران بفرهی پنهان شیبی اندیش خویش نه تنها از حالتی غافلانه در برابر ستم و استعمار بوده اند. بلکه از روی ابرون مبارزات مسلحانه. اندیش را با آستانه قیام خونین داده اند. و بر خلاف همه مبارز و جنجالها و تبلیغات گوناگون که طایفه حرکت آزادی آیین مردم شیعه ایران میبود و تلاشی بر کوی که در راه ناپدید خلودان نهضت انسانی این ملت صورت میگردد. مردم قهرمان ایران روز بروز کافر و مستحکم کاپلیسان را بسوی پیروزی میگردانند. آنچه در لبنان امروز میگذرد نیز نمونه دیگری از پاره ای از آگاهی شیعه در روزگار است. این امر یعنی استقامت است که ملت ایران پیش از ملت دیگر سائل و مشکلات بیرون شیعه خود را در لبنان میگردد و با علم مردم "حرکت سرزمین" را در این سرزمین جنگ زده و بران نه بدست امداد، استعمار، ناپاید میگردد و پشتیبانی بهیچ خود را نسبت به برادران رشتت که از لبنان میآید. و بر مبنای "شبهه" ایستاد و کارگران آن در منطقه و از جمله کمیت ایران که همواره در راه حرکت آزادی ساز پیروز بوده اند. در سبب ارادته که برادران شیعه این هانی غافل نباشند است. و اگر کوششها و انجمنی نه تنها در این منطقه مبارک و هندسی با سپهبدی و عوالم ستر امپریالیسم برجسته اند و چنانکه نمونه این خیانتکاران در ترکیه ای بدین حرکت ایران سلسله فالانسیها که در ملاقای تازه از زهرمان این حزب با فعالیتات رژیم رژیم ایران صورت گرفته است. بیچین و مسلمانان و شیعیان را بر هنگامه نیز در سرتیبه تنها راهگزاره اند. بدین دلیل آنان را جزو کاپلیسان ماری و نظامی میخوانند و می نمایند. تبلیغ آزادی این منطقه از کوه قیام و محرومیت ملت ایران همیشه محرومانی را در کشت خود را بر سرچین با عدای خویش نهادند. با تمام مسائل سنگی ناپاید. و پاری کرده اند. در لبنان امروز مردمی بر سر مبارزه بدست فرزانان فلسطینی انقلابی استوار میگردد. بدست درماتی که بفرهی روحانی ارجمند و مسرتیبتناخته ای چون "امام مبینی صدر" نالغان از انقلاب گروه خلق مغرب و ترویج خود حکومت محمیتی مبارزات شیبی با محبوسیت این خطرناکترین رژیم استعماری در منطقه و نیز "شبهه" کاپلیسان راسته سلسله قدرتیها و دولت در مآید. و در چنین اوضاعی هندس و هنگام مبارزه انقلابی فلسطینی و سترایی و کشت ناپاید در برابر تجاوزات اسرائیل ایجاد میگردد. اینست هیمنی راهشخصی را "پاسر مغز" رهبر سابق آزادیبخش فلسطین چنین توصیف می کرد:

کند و بعد درباره محکوم به تحقیق می پردازند! ... تحریم شما با سانسور همکاران اداری تان هم کوچکترین ارچی در بین مردم مسلمان ماندار و آنها هم همچنان به مطالعه آثار سازنده و روشنگر ابو تر قرن بیستم، طلی شریعتی، ادامه خواهند داد و حساب رو حانیت قلبی وابسته را از طماری ترقی و راستین اسلام

قم - پس از فاجعه ۱۹ دیماه مردم شهرستان قم میدان صفایه و خیابانی که مدرسه حاجیه در آن واقع است یعنی محل حوادث خونین را به میدان و خیابان شهیدای ۱۹ دی تبدیل کرده اند.

\* محمد چو دران حاصل سال ششم دبیرستان قم روز چهارشنبه پنجم دی با اتفاق مادرش برای انجام کار اداری به داسرای قم مراجعه مینماید پلیس جلو او را میگیرد و اجازه ورود بوی نمیدهد و فقط مادرش وارد ساختمان میشود. در این موقع بدون مقدمه چند نفر با لباس شخصی با باطوم و پنجه بکن با حمله میکنند بطوریکه بیوش میشود. پس از سه روز مداوا در بیمارستان بیهوشات میرسد.

\* روز پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ساختمان رستاخیز قم را منفجر مینمایند - شدت انفجار فوق العاده زیاده بوده است - در همین روز به ساختمان بابا افضل سرگرد شهرستانی (ساواکی) حمله میشود - خود او در منزل نبوده انقلابیون زن و فرزندان او را از منزل خارج میکنند و خانه او را منفجر مینمایند - بابا افضل در جناسیات اخیر قم نقش زیادی داشته و مردم از همان موقع کینه او را بددل داشتند - عمل انسانی انقلابیون که بخانواده او ضربه ای نزده اند مورد توجه شدید مردم قرار گرفته است.

\* شب جمعه ۲۱ بهمن ماه در داخل صحن حضرت معصوم تظاهراتی بر پا شده است و پلیس اطراف حرم را محاصره مینمایند.

\* در کلاس درس آقای روحانی پس از تعطیلی بعضی از ۱۹ دی طلبه ای شروع به سخنرانی مینماید. درخاسته به طلبه های حاضر در کلاس میگوید هر کاری که میگویم انجام دهید. سپس میگوید همه عمامه خودشان را ببر دارند - همه این کار را انجام میدهند - بعد میگوید کاملا آنها باز کنید و در مقابل خودتان پهن نمائید. سپس میگوید سریع عمامه را درست کرده بمرتان بگذارید. ۷ یا ۸ نفری نمیتوانند این کار را بموقع انجام بدهند. او آنها را ساواکی معرفی مینماید و از حاضرین میخواهد که کتک فصدی به آنها بزنند.

\* در نبال فاجعه ۱۹ دی قم در جهرم تظاهراتی انجام گرفت و مردم عکس شاه را سر دست بلند کرده شعرهای میخوانند از جمله: "مرگ بر این شاه ابن مرجانه"

\* در یزد مردم در اطراف مجسمه تظاهراتی کردند و شعار میدادند "ضامن آزادی ما حسین است، مانع آزادی ما یزید است" و در این هنگام با دست به مجسمه اشاره میکردند و میگفتند "یزید همیشه، همین یزید است. تهران - مردمی را که روز ۶ بهمن ماه به زور برای رژه به میدان "شیار" برده بودند فریاد میزدند "یا مرگ یا کتاب برگ"

\* کازرون - در شهر کازرون دانش آموزان بر روی سنگهای ولگرد نوشته بودند "شاه جلاهد، گارگر کیف" و در شهر رها کرده بودند و ساواک هم اقدام به کشتن سنگهای بیچاره کرد! در جلوی یکی از مدارس و پشت یک کیوسک کلاتری عکس خری را میکشند که بارش پیت نفت بود و بجای لکه خرسر شاه بود و افسارش در دست سگی که رویش نوشته بودند کارتزر.

\* اصفهان - در صبح روز جمعه ۷ بهمن ماه سهمیه اطلاعات اصفهان را در آن شهر آتش میزنند. این عمل در خیابان چهار باغ اصفهان انجام گرفته است.

اخیر دانشگاهها:

\* در دانشگاه شریف واقفی (صنعتی) روز سه شنبه ۲۰ دی ماه بعنوان اعتراض به شهادت در زور شکنجه حسن بصیر - زاده دانشجوی فارغ التحصیل رشته متالورژی در تمام سطح دانشگاه و کلاسها بطوری سابقه ای شعارهای متعددی نوشته شده بود. بطوریکه در روز چهارشنبه ۲۱ دیماه این شعارها زمینه را برای تظاهرات وسیعی بر علیه شهادت حسن و حوادث خونین قم آماده کردند. در همین روز دانشجویان پارچه بزرگی از دیوار ساختمان مجتهدی (ساختمان مرکز تجمع دانشجویان) آویزان کردند که دو سلسل در قسمت بالای پارچه کشیده بودند که از لبه های آن خون بی چکید و در زیر آن "لا" نوشته شده بود و بالاتر از سلسله عبارت "شهید راه حق هرگز نمیبرد" نوشته شده بود و زیر آن شعارهایی خطاب به حسن بصیر - زاده شهید به چشم میخورد. در جاهای دیگر پارچه نام شهیدان دانشگاه شریف: الفت، شاه کرمی، صدقیه لطف، شریف واقفی و نیز نام شهید "آیت الله سید علی و آیت الله غفاری، نقش بسته بود. پرستار دیگری نیز، آویزان بود که بروی آن نوشته شده بود "درد بر شهیدای قم"

و یک پرچم سرخ هم کنار پلا کار دی اولی در اهتزاز بود در حدود ساعت ۹/۵ صبح حدود ۱۵۰ نفر از دانشجویان با کپیدن منظم پاهای خود در طبقه سوم ساختمان مجتهدی به خوانند شعاری "قم شد خونین ز بیزد زمان مرگ بر این شاه ستم پیشگان" برداشتند. این تظاهرات یکپارچه و سرتاسر بطور همسایه ای آغاز شد و همه دانشجویان در آن شرکت داشتند. سپس به ساختمان شیمی رفتند در این اثنا گارد وارد صحنه شده و دانشجویان با سنگ به گارد حمله کردند بطوریکه گارد مجبور به فرار شد ولی بعد با نیروی کمکی زیادی دست به حمله مجدد زدند و تمام قسمتهای دانشگاه را محاصره نمود.

\* در روز شنبه ۴ دی ماه دانشجویان دانشگاه شریف واقفی بار دیگر بعنوان اعتراض علیه اقدام رژیم در فاجعه قم دو پست و ستر از ساختمان مجتهدی آویزان کردند روی یکی عکس شاه بود - از دستهای خون میکید و قسمت طبش سوخته بود و در میان آن پرچم آمریکایی قرار گرفته بود و زیر آن نوشته بود: قاتل شهیدان راه حق روی پوستر دیگر عکس حضرت آیه الله خمینی را داشت که بالای آن فضل الله المجاهد بن علی القادر بن نوشته شده بود و زیر آن: "درد به رهبر عالم بقدر خمینیست".

دانشجویان هر لحظه بیشتر و زور بیشتری جمع میکرد ساعت ۹/۵ پارچه دیگری از ساختمان آویزان شد کتک یک گوشه آن یک مشت گره کرده به نشانه حرکت مردم و طرف دیگرش تصویر یک سلسل به رنگ قرمز به نشانه حرکت بیشتر بود و روی آن "درد بر شهیدان قم" و "درد بر محمد و زبانی دانشجویان حقوق دانشگاه تهران که پس از دو سه سال مقاومت دلیرانه سرانجام در زور شکنجه های ساواک شهید شد نوشته شده بود، و بین ایند و متن یک فلش به طرف بالا که روی آن "الله اکبر" نوشته شده بود و عبارت "پیش بسوی تحقق جنبش اسلامی دانشجویان مسلمان ساعت ۱۰ اعتصاب داشتند ولی گارد با نیروی فراوانی در ساعت ۹/۴۵ وارد محوطه دانشگاه شد.

دانشجویان که در گوشه و کنار پراکنده بودند شعار "قم شد خونین ز بیزد زمان" را سر دادند و گارد به حمله پرداخت در این موقع دانشجویان هم با آجر به کامیون گارد حمله کردند، که مجبور به فرار شد دانشجویان شیشه چیب گارد را خرد کردند، چیب هم از صحنه گریخت، و از آن پس تروهای آهن جلو شیشه اتومبیلشان کشیده اند. گارد بهر دانشجو می رسید با لگد و مشت و باطوم او را خرد میکرد. استادان هم در این تظاهرات از دانشجویان پشتیبانی میکردند و مانع ورود گارد به ساختمان محل تجمع اعتصابیون شدند.

پس از این اعتصابهای همسایه در روزهای ۲۴ و ۲۷ دی ماه، دانشگاه شریف واقفی را بمدت دو هفته تعطیل کردند.

روز شنبه ۸ بهمن ماه دانشجویان مسلمان یک پوستری بزرگ به رنگ قرمز آویزان کردند و روی آن چهره های خشمگین شاه و آموزگار و انصاری را کشیدند که یعنی: هنگامی که پیام آوران حق بنیام میخیزند ترمو نیان جهل در هم میکشند. در کنار عکس شاه نوشته شده بود "من همیشه اهل مبارزه هستم و هرگز خسته نمی شوم! و سپس آیه ای از قرآن:

\* روز یکشنبه ۹ بهمن ماه بیاید بود شهیدای قم در محوطه دانشگاه صنعتی سه دقیقه سکوت با شکوه تمام برگزار شد و سپس با ذکر درود به شهید، یاد شهیدان قم را گرامی داشتند. در همین روز دانشجویان یک قطعه حلبی به گردن گریه آویزان کرده بودند که یک روی آن عکسی از شاه بود و زیرش نوشته شده بود "قاتل شهید" و روی دیگرش عکس از کارتر و زیرش نوشته شده بود "کارتزر ارباب جنایتکاران" این گریه حدود یکساعت در کتابخانه مرکزی دانشگاه میچرخید.

\* روز سه شنبه ۱۱ بهمن ماه اجتماع باشکوهی از دانشجویان برادر هموطن:

پیام مجاهد، در خدمت جنبش انقلابی خلق ماقرار دارد. پیام مجاهد، مبارزات حق طلبانه مردم ما را، صرف نظر از وابستگی های فکری و عقیدتی منعکس میسازد. پیام مجاهد، به کمک های فکری، علمی و مالی شما نیازمند است. مقالات، اخبار، انتقادات و نظرات خود را به آدرس پیام مجاهد (با نام مستعار) ارسال دارید. در پیش و توزیع پیام مجاهد بکامک کنید. کمک های مالی خود را بصورت حواله بانکی و یا پستی در وجه پیام مجاهد ارسال دارید. (اعضای حواله مالی ممکن است با نام مستعار باشد.)

PAYANE MUJAHID P. O. - Box A

در کتابخانه مرکزی تشکیل شد. این اجتماع بمناسبت بزرگداشت ۱۱ بهمن روز شهادت احمد رضا بود. در این اجتماع ۵ دقیقه نوار از سخنرانیهای طلمار در جریان قم پخش شد. پس از خروج از کتابخانه دانشجویان متوجه پرچم سرخی شدند که بفرزاد ساختمان مجتهدی آویزان بود و روی آن نوشته شده بود "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" و کنار آن ماه و ستاره ای. همه دانشجویان تنه نیساعت در برابر آن پرچم به تماشا ایستاده بودند. پس از خلوت شدن محوطه دانشگاه گارد با ترس و لرز پرچم و پایه های آنرا کند و برد!

دنیاله اعلامیه جوانان اهواز

۱- نوشتن شعار بر در و دیوار کلاس و کوچیه و بازار و یا معابر عمومی و یا پخش اعلامیه های انقلابی اسلامی در محیط کار و مدرسه و کتابخانه و مساجد و محل اجتماعات.

۲- راز داری شدید و مخفیکاری و تقيه اسلامی و احتیاط لازم و خالصانه برای خدا.

۳- همچنین دوری از هرگونه بی احتیاطی و لولرفتن و بالنتیجه دوری از هرگونه تظاهر و خود نمائی و ...

۴- تهیه و مطالعه و پخش کتب انقلابی سازنده و اسلامی.

۵- همکاری با دانشجویان و گروههای مبارز انقلابی و کمک مادی و معنوی به مبارزین و مجاهدین و خانواده های زندانیان و شهدا (حمایت از اولیا حق)

۶- سروا کردن مناقبین و مأموران دستگاه فرسونی پهلوی.

۷- "سراجام مبارزه مسلحانه که تنها راه نجات توده ها از یوغ اجنبی و امپریالیسم و صهیونیسم و نوکران آنها یعنی شاه خائن و دارو دسته اش است." و کارهای دیگر به ابتکار خودتان و با استفاده از آیات و روایات انقلابی در راه بالا بردن رشد فکری و بیداری و نجات توده محروم ما و برای برقراری نظام الهی و حکومتی طی وار و نابودی امپریالیسم و صهیونیسم و نوکرانش و استبداد و فساد و ترس و ذلت و جهل و کفر و طاغوت و هرگونه بندگی ظالمانه و ...

۸- طرز تهیه اعلامیه: میتوانی بوسیله چند کاغذ معمولی و چند کاغذ کپی (کاربن) و نوشتن تعالیم اسلام و پیام شعارهایی بنیاد کننده و دستوراتی سازنده، بیزاری خود را از این رژیم ضد انسانی و ضد مردمی اعلام کنی. در مساجد و یا معابر عمومی و یا محل کار و تحصیل و ... پخش کنی. با رعایت احتیاط لازم.

نابود باد رژیم سر سبز پهلوی خائن بز قرار باد پرچم آزادی و تساوی و برادری (اسلام) بدست خلق مسلمان ما بر توان باد دستهاییکه برای خدا در راه رهایی خلق کار میکنند و نیروی طاغوت را به زانو در می آورند.

دنیاله اخبار دانشگاه

شاه نیز حمله میکنند که آنها واژگون کنند ولی پلیس آنها حمله کرده عده ای رازخی میسازد. چند روز بعد مردم که هنوز ناراحت بوده اند به منزل نبوی ریخته و گویا خود شایا پسرش را کتک میزنند و اسباب منزل آنها را بیرون میریزند و بدین ترتیب نشان میدهند که فرق بین روحانیون و روحانی نفاها را خوب میفهمند.

\* گفته میشود در جریان سفر کارتر بایران که قرار بوده وی بدون اعلان برناه به تالار رودکی برود، پلیس به دانشجویانی که به نحوی از جریان مطلع شده اند واژدخامی جلوی تالار صورت داده اند حمله برده و سه نفر را کشته و عده ای را زخمی میکنند. در ازدهام دیگری که زندان مذهبی بهمراه عده ای دیگر از جوانان مسلمان جلوی سفارت آمریکا درید و ورود کارتر بایران انجام میدهند پلیس بازبشدت به صف تظاهر کنندگان حمله کرده و عده زیادی را دستگیر و عده ای را زخمی میکند. این عده با خود تابلوهائی همراه داشته اند که خواسته های خود را روی آن درج کرده بودند. گویا بیشتر این خواسته ها همان لوایح پیشنهادی جلسه ترجمه حجه الاسلام حاج سید مصطفی خمینی در قم بوده اند.

\* شوشتر سه هفته پیش در جریان مراسم مذهبی در شوشتر عده ای از جوانان شوشتر که اغلب دبیرستانی بوده اند ناگهان شروع بدادن شعارهای ضد رژیمی میکنند و شب بعد نیز همین کار را در همان محل قلی انجام میدهند در این جریان عده ای از دبیرستانی ها را پلیس باز-

